



چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران

جواد حاتمی

معاون تحقیقات آزمون و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور

رضا محمدی

عضو هیات علمی و رئیس بخش ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور

فاخته اسحاقی

کارشناس ارشد مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور

چکیده

در طول دهه های گذشته، ارزشیابی و پاسخگویی در جهت میزان تحقق اهداف و تعالی عملکرد نظام های آموزش عالی به مسئله و اصطلاحات کانونی حوزه آموزش عالی تبدیل شده و می توان به این امر اذعان نمود که همه افراد ذریبط و ذینفع در نظام آموزش عالی، بر کاربرد سازوکارهای ارزشیابی تأکید دارند؛ اما نکته قابل توجه در این مهم اهداف و رویه های ارزشیابی است. در این راستا تجارب بین المللی در دهه های اخیر حاکی از آن است که الگوی اعتبارسنجی با هدف بهبود و تضمین کیفیت و مبتنی بر ارزشیابی درونی (خود-ارزیابی) و ارزشیابی بیرونی، اساس نظام های ارزشیابی کیفیت دانشگاهی را تشکیل می دهد و اوایل قرن بیستم، دوران توسعه سریع نظام های مختلف اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در آموزش عالی است که در آن دغدغه حفظ، بهبود، ارتقاء و تضمین کیفیت در اکثر کشورها مطرح و به دنبال آن ساختارها و واحدهای مدیریتی تخصصی در سطوح مؤسسه ای، ملی، منطقه ای و بین المللی ایجاد شده اند. بنابراین در راستای اهمیت ارزشیابی و بهبود کیفیت در نظام آموزش عالی، این مقاله درصدد است تا ضمن مروری بر پیشینه ارزشیابی در نظام آموزش عالی ایران و با توجه به تجارب بین المللی در این حوزه و اصول و ویژگی های آن، به بررسی رویکردهای ارزشیابی و اقدامات انجام شده بپردازد و تحلیلی از وضعیت موجود ارائه نماید. همچنین از آنجا که در سال های اخیر ایجاد ساختارهای شبکه ای تضمین کیفیت در آموزش عالی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و نظر به این که نظام آموزش عالی ایران از زیر نظام های متمایزی تشکیل شده است، در ترسیم مطلوب ترین حالت برای ساختار ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی ایران، ساختار شبکه ای مورد تأکید قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: ارزشیابی - نظارت - اعتبارسنجی کیفیت - نظام آموزش عالی.



۱- مقدمه

امروزه تقاضا برای آموزش عالی به نسبت قابل ملاحظه ای در حال افزایش است. تقاضای رو به افزایش آموزش عالی ایجاب می کند که ذینفعان، خواهان اطلاعات کافی جهت اطمینان از تقاضا- محور بودن آن باشند. در واقع از موسسات آموزش عالی خواسته می شود که خود را به صورت شفاف در معرض ارزیابی ذی نفعان قرار بدهند و اطلاعات متنوعی درباره منابع، فرایندها، بروندادها و پیامدهای خود در اختیار آنها بگذارند و پاسخگویانه گزارش بدهند که چگونه عمل می کنند (ایتون^۱، ۲۰۰۴/فراستخواه، ۱۳۸۵). این گفته هرچند به صورت صریح رشد کمی آموزش عالی را دلیل اصلی توجه به مباحث ارزشیابی و شفافیت و پاسخگویی عنوان می کند، اما مبحث ارزش افزوده نیز دلایل قانع کننده اختصاص منابع به آموزش عالی را نیز به طور ضمنی از اقتضات توجه به ارزشیابی بر می شمارد.

در تکمیل گفته های فوق، دیکسن^۲ (۲۰۰۶) در ضرورت و چرایی ارزشیابی آموزش عالی این طور بیان می کند که این امر موجب می شود که هیأت علمی و دانشجویان در درون هر مؤسسه/ برنامه و اجتماع علمی در بیرون آن به میزان کیفیت فعالیت های علمی و آموزشی و هنجارهای دانشگاهی آگاهی پیدا بکنند و یاران مؤسسه/ برنامه با خود-ارزیابی و با داوطلب شدن به ارزیابی بیرونی توسط هم تایان علمی و تخصصی، شانس بهبود مداوم کیفیت خود را افزایش بدهند و از بازخوردهای ارزیابی برای کنش و برنامه ریزی معطوف به ارتقاء بهره بگیرند و بتوانند در یک شرایط رقابتی از منابع موجود، استفاده عقلانی تری بکنند.

قورچیان (۱۳۷۳) نیز ارزشیابی آموزش عالی را سازوکاری ضروری برای کاهش شاخص ترک تحصیل، امکان عرضه نیروی انسانی متخصص با کفایت و برحسب تقاضاهای متحول و متبوع بازار کار و نیازهای جامعه و سرانجام بهره وری منابع مالی و انسانی ذکر کرده است. در راستای نظرات فوق و در تکمیل آنها، بازرگان (۱۳۷۴) اصلی ترین فلسفه وجودی ارزشیابی را به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، بهبود مداوم و درونزای آموزشی، پژوهشی و خدمات تخصصی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دانسته است. همچنین وی (۱۳۷۶) معتقد است که ارزیابی را به عنوان یکی از کارکردهای نظام مدیریت دانشگاهی یا آموزش عالی نباید به عنوان فعالیت جداگانه نگریست، بلکه حلقه ای از چرخه مدیریت و برنامه ریزی است و بدون ارزیابی نمی توان در جهت بهبود و ارتقای مداوم، به کنش و برنامه ریزی دست زد. از طرف دیگر، محمدی و همکاران (۱۳۸۶) ارزشیابی را وسیله ای برای افزایش بازده اجتماع آموزش عالی و نیز سازوکاری برای تأیید صلاحیت، تخصیص عقلانی اعتبارات، پاسخگویی عمومی، اطلاع رسانی به ذی نفعان، اطمینان از تحقق اهداف و بهبود مستمر قلمداد نموده اند.

بنابراین در راستای اهمیت موضوع ارزیابی، این مهم در اکثریت قریب به اتفاق نظام های آموزشی جهان مورد توجه قرار گرفته است و در هر دانشگاه یا مرکز آموزشی، سازوکاری جهت ارزیابی آموزشی وجود دارد (برن باوم و دشولتز^۳، ۱۹۹۹). حال سوال این است که الگوی رایج ارزیابی در نظام های آموزش عالی چیست؟ با چه هدفی انجام میشود؟ و با فرض وجود و یا دستیابی به الگوی بهینه و تصریح اهداف، ساختار پشتیبان این فعالیت راهبردی چیست؟ در این راستا پیشینه ارزشیابی در آموزش عالی جهان نشان می دهد که الگوی اعتبارسنجی مشتمل بر ارزیابی درونی و بیرونی از دهه آغازین قرن بیستم به منظور قضاوت درباره سازمان های آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین تعریف انجمن اعتبارسنجی آموزش عالی^۴ (۲۰۰۳) اعتبارسنجی را بررسی دقیق دانشگاه ها، کالج ها و یا برنامه های آموزشی بر اساس استانداردهای تعریف شده می داند که دارای دو هدف بهبود کیفیت و تضمین کیفیت می باشد.

و اما در آموزش عالی ایران اگرچه از دیرباز، بازرسی هایی از آموزش عالی توسط دولت صورت گرفته است ولی این فعالیت ها با نگاه کل گرا و سیستمی همراه نبوده و رویکرد نظارتی و ایدئولوژی دولتی و تمرکزگرایانه داشته اند. تنها در ۱۰ سال اخیر کوشش هایی در جهت پایه گذاری رویکرد نوین و علمی ارزشیابی کیفیت بر مبنای الگوی اعتبارسنجی صورت گرفته است. بنابراین در مقاله حاضر رویکردهای نظارتی و نوین ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران مورد بررسی قرار می گیرد تا ضمن شناسایی ویژگی های هر

1. Eaton
2. Dickson
3. Birnbaum & Desholtes
4. Council for Higher Education Accreditation (CHEA)



رویکرد و مقایسه آن با ویژگی ها و اصول ارزیابی کیفیت در نظام های آموزش عالی، وضعیت مطلوب ارزیابی در نظام آموزش عالی ایران تبیین گردد.

۲- رویکرد نظارتی در ارزیابی نظام آموزش عالی ایران

ارزیابی به شیوه نظارت دولتی پس از تصویب قوانین اداری و اساسی معارف در سال های ۱۲۸۹-۱۲۹۰ در ایران شکل گرفته است و اولین قدم رسمی در زمینه ارزشیابی، در ساختار سازمانی وزارت معارف پیش بینی شده است. پس از انقلاب اسلامی نیز ساختار نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران در سال ۱۳۶۵ تکوین یافت. در این سال دفتر نظارت و سنجش در وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وجود آمد و در سال ۱۳۷۰ این تشکیلات به دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی تغییر نام یافت. شورای نظارت و ارزیابی نیز به منظور «نظارت و سنجش آموزش دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و شناخت میزان تحقق اهداف کمی و کیفی در نظام آموزش عالی کشور» ایجاد شد. افزون بر این، در تشکیلات سازمانی برای هر دانشگاه دولتی نیز یک دفتر نظارت و ارزیابی زیر نظر معاون آموزشی منظور شد. دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی متشکل از دو گروه تأمین هیأت علمی و نظارت و ارزشیابی است و گروه اول با سه واحد امور بورس و جایابی، امور تبدیل وضعیت، امور طرح سربازی به صورت مشخص به رتق و فتق امور مربوط به اعضای هیأت علمی رسمی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی پژوهشی می پردازد و گروه نظارت و ارزشیابی مشتمل بر دو واحد مشخص امور نظارت و ارزیابی و امور آئین نامه هاست که وظایفی چون، نظارت بر رعایت ضوابط و معیارهای آموزشی، نظارت بر حسن اجرای آئین نامه ها و مقررات آموزشی، رسیدگی به مشکلات مربوط به امور آموزشی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، ارزیابی میزان پیشرفت برنامه های آموزشی، ارائه گزارشات منظم در مورد چگونگی وضع آموزشی دانشگاه ها، تنظیم خط مشی نظارت بر امور آموزشی دانشگاه ها می پردازد. همان طور که از تشکیلات این دفتر برمی آید، عملکرد این دفتر مبتنی بر وظایف اجرایی از قبیل استخدام هیأت علمی، جایابی، تبدیل وضعیت، طرح سربازی و نظارت بر اجرای آئین نامه ها (ممیزی) است. در بحث نظارت دانشگاه ها نیز رعایت ضوابط پایه و کمی آموزشی از قبیل تعداد هیأت علمی و سرانه فیزیکی و ... در قالب دو فرم الف و ب و رسیدگی به شکایات مطرح است و هیأتی از وزارت متبوع، به دانشگاه مورد نظر اعزام شده و پس از بازدید از دانشگاه گزارشی درباره وضعیت دانشگاه مورد بررسی تهیه کرده و به مسئولین وزارتخانه ارائه می کردند (نورشاهی، ۱۳۸۳ و فراستخواه، ۱۳۸۶).

در این راستا پژوهشگران آموزش عالی، ویژگی های فعالیت های رویکرد نظارتی را به شرح زیر برشمرده اند (بازرگان، ۱۳۷۶؛ ابیلی، ۱۳۷۶؛ نورشاهی، ۱۳۸۳؛ محمدی و همکاران، ۱۳۸۶؛ فراستخواه، ۱۳۸۵):

- عدم بکارگیری الگوی علمی مشخص
- ماهیت ستادی، اداری و اجرایی و غیر حرفه ای نظارت ها
- فقدان یا کم رنگ بودن نقش ارزیابان حرفه ای خارج از نظام اداری وزارت
- عدم توجه به دیدگاه سیستمی و نادیده گرفتن کارکردهای نظام دانشگاهی
- تحت الشعاع قرار گرفتن ابعاد کیفی توسط نظارت بر اجرای آیین نامه ها
- مورد نگرانی و تمرکز بر مسائل آنی
- عدم توجه به اصل استمرار در ارزیابی
- عدم بهره گیری از مشارکت، همکاری و تعهد جامعه دانشگاهی
- عدم توجه به ساختار علمی و نظام دار برای مدیریت و رهبری ارزیابی
- عدم توجه به ظرفیت سازی برای اعتبارسنجی، بهبود، ارتقاء و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی
- عدم توجه به اهداف، نقش و کارکردهای متنوع ارزشیابی و برابر دانستن ارزشیابی و بازرسی .

بنابراین پیرو سیاست های وزارتی، رویکرد نظارتی و بازدیدهای ادواری مذکور در جهت بررسی عملکرد نهادهای مختلف دانشگاه مطابق شرح وظایف آنها و آئین نامه های ابلاغ شده، هدف های خاص خود را دنبال می کند و در مدیریت سازمانی جای خود را دارد؛ اما آنچه



مسلم است این است که از فعالیت های دفتر مذکور در راستای شرح وظایف آن نمی توان انتظار مدیریت و بهبود مستمر کیفیت در نظام دانشگاهی را داشت و علی الاصول مدیریت کیفیت نظام آموزش عالی به معنای تخصصی آن، رویکرد خاص خود را می طلبد. از این رو با توجه به هدف متفاوت نظارت در آموزش عالی، با مطالعه مفاهیم و الگوهای ارزیابی و تجارب بین المللی در این خصوص، لزوم به کارگیری رویکردی جدید در ارزیابی نظام آموزش عالی کشور ضرورت یافت. رویکردی سیستمی و مبتنی بر کارکردهای تخصصی نظام دانشگاهی که با تأکید بر نهادینه ساختن فرهنگ ارزیابی، داوطلبانه بودن آن، مشارکت اعضای هیأت علمی و دست اندرکاران واحد آموزشی، توجه به ضعفها و قوتها و ارائه پیشنهادهای حاصل از ارزیابی در جهت بهبود کیفیت نظام آموزشی، می تواند مؤثر واقع گردد. بر این اساس سازمان سنجش از سال ۱۳۷۹ نسبت به این امر اقدام نمود.

در این راستا لازم بذکر است که با احیای شورای نظارت و ارزیابی در سال ۱۳۸۶ و بازنگری در وظایف و ساختار آن، دفتر نظارت و ارزیابی نیز به عنوان دبیرخانه این شورا اقدام به تصویب و ابلاغ آئین نامه های هیات نظارت و ارزیابی استانی و ...نموده است که بر اساس همان رویکرد نظارتی گذشته نظارت بر حسن اجرای مصوبات، مقررات و دستورالعملها و تکمیل فرم های اطلاعات و بازدیدهای ادواری است و در قالب هیات های نظارت استانی سازماندهی می شود و البته با تأکید بیشتر بر عملکرد دانشگاه های غیردولتی و غیر انتفاعی و آزاد در اجرای ضوابط آموزشی و رسیدگی به شکایات و مشکلات و بررسی تقاضای موافقت های قطعی و... (گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶)؛ لذا اگرچه اهدافی نظیر حمایت از فعالیت های ارزیابی درونی و برونی نیز توسط این دفتر مطرح شده، اما اشاره ای به نتایج آن مشاهده نشده است.

۳- رویکرد نوین و علمی ارزیابی (اعتبارسنجی) کیفیت در نظام آموزش عالی

در دو دهه اخیر تحولات و چالش هایی نظیر روند جهانی شدن، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانش محور شدن اقتصاد، افزایش کمی دانشجویان و کاهش بودجه سرانه آنها و همچنین افزایش رقابت بین موسسات آموزش عالی در سطح بین المللی و تقاضا برای پاسخگویی بیشتر، توجه به کیفیت آموزش عالی را هدف قرار داده است و موجب تأکید بیشتر بر ضرورت کارکرد ارزشیابی در نظام های آموزش عالی جهان شده اند. در این راستا، نتایج پژوهش های انجام شده نشان می دهد که موفقیت کوشش های مربوط به بهبود کیفیت ریشه در اراده معطوف به ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور دارد (فراستخواه، ۱۳۸۵). بنابراین طی دو دهه گذشته در اغلب کشورهای جهان برای ارتقاء کیفیت نظامهای آموزش عالی، حساسیت ویژه ای بوجود آمده است. حاصل این امر آن بوده است که نیاز روزافزون نسبت به ارزیابی کیفیت دانشگاهها و سایر مراکز آموزش عالی در اغلب کشورهای جهان احساس شده است.

در راستای پاسخگویی به نیاز یاد شده، ایجاد نهادها و سازمانهای بین المللی، منطقه ای و ملی گوناگون برای ارزیابی و اعتبارسنجی آموزش عالی جهت پاسخگو کردن و بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و عرضه خدمات تخصصی دانشگاهها مورد توجه قرار گرفته است و بیش از ۶۰ نهاد ارزیابی و تضمین کیفیت تاسیس شده است. راهنمای نهادهای تضمین کیفیت^۱ که اطلاعات آن بوسیله شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی در سال ۲۰۰۲ میلادی گردآوری شده است، نشان می دهد که تعداد اینگونه سازمان ها یا مؤسسه های ارزیابی برونی در پنج قاره جهان و در سطح ملی در سال ۲۰۰۳ میلادی (۱۳۸۲ خورشیدی) به بیش از ۷۰ مورد در ۴۸ کشور بالغ شده است (INQAAHE, 2003/ بازرگان، ۱۳۸۴). به عنوان مثال "شورای اعتبارسنجی آموزش عالی" در امریکا، "نهاد تضمین کیفیت"^۲ در انگستان، سازمان ملی اعتبارسنجی "^۳ در هلند، "شورای ملی ارزیابی و اعتبارسنجی"^۴ در هند و "نهاد کیفیت دانشگاه های استرالیا"^۵ در استرالیا.

۱. Quality Assurance Agency

۲. Quality Assurance Agency(QAA)

۳. National Accreditation Organization (NAO)

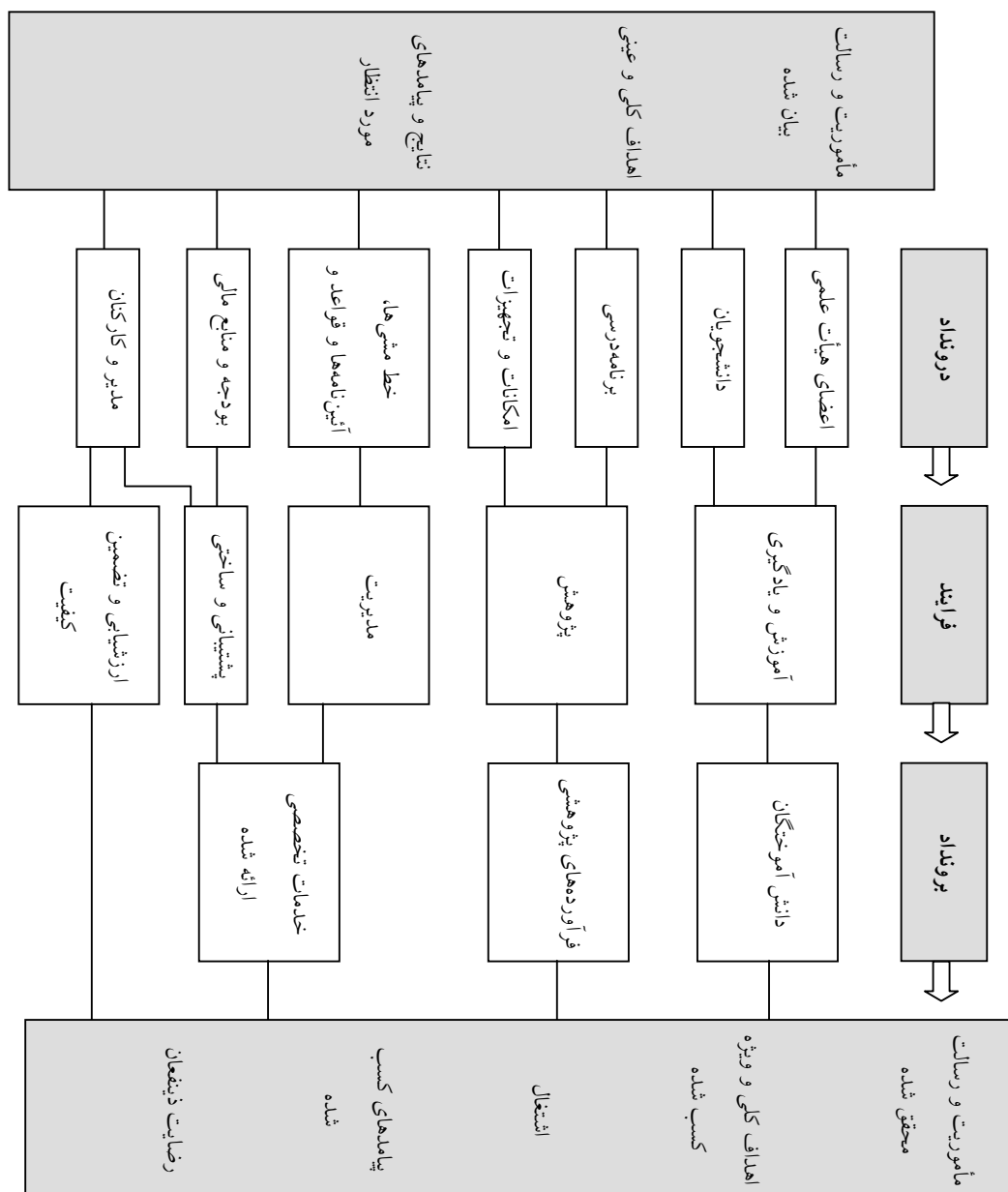
۴. National Assessment and Accreditation Council (NAAC)

۵. Australian universities Quality Agency (AUQA)



همچنین مطالعات و تجارب بین المللی در این خصوص حاکی از آن است که اعتبار سنجی یکی از الگوها یا روش های ارزشیابی موثر در آموزش عالی می باشد که تقریباً مقبولیت جهانی یافته است و از ابزارهای مهم برای تضمین و بهبود کیفیت محسوب می شود (پازارگادی، ۱۳۷۸). اعتبارسنجی با سابقه ترین الگوی ارزیابی تخصصی رسمی در نهادهای علمی است و انجمن اعتبارسنجی آموزش عالی آن را به عنوان یک فرایند دانشگاهی پایه گذاری شده بر روی خودارزیابی (ارزیابی درونی) یا ارزیابی همگنان و به منظور پاسخگویی عمومی و بهبود کیفیت دانشگاهی تعریف کرده است (CHEA, 2003). آدلمن نیز در دائرةالمعارف آموزش عالی، اعتبارسنجی را فرایند بررسی و اطمینان از کیفیت ذکر می کند که می توان بوسیله آن به بازبینی و ارزیابی موسسه یا برنامه های آن جهت کسب اطمینان از تحقق اهداف یا احراز استانداردهای قابل پذیرش پرداخت (پازارگادی، ۱۳۷۸).

پیرو اهمیت ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت که در مطالب فوق به آنها اشاره شد، در ایران نیز از اواسط دهه ۱۳۷۰ توجه برخی پژوهشگران نسبت به امر کیفیت و اعتبارسنجی آن در آموزش عالی جلب شد و پژوهش هایی در این جهت انجام شد (بازرگان، ۱۳۷۴، بازرگان و همکاران، ۱۳۸۶؛ حجازی ۱۳۷۷؛ فراستخواه، بازرگان و قاضی طباطبائی، ۱۳۸۶). پس از آن با مورد توجه قرار گرفتن نظام ارزیابی و اعتبارسنجی آموزش عالی در برنامه سوم توسعه کشور و همچنین اختصاص ماده ای از فصل چهارم برنامه توسعه (توسعه مبتنی بر دانایی) به "ارزیابی مستمر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری"، ماموریت ارزیابی و اعتبارسنجی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از سال ۱۳۷۹ به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری/ سازمان سنجش آموزش کشور واگذار گردید. پیرو مسئولیت واگذار شده، سازمان سنجش با لزوم اقدام در جهت ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت بر پایه مشارکت جامعه دانشگاهی کشور، رویکرد علمی و سیستمی در حوزه ارزشیابی نظام آموزش عالی را با هدف ایجاد فرهنگ ارزشیابی و کیفیت مداری در سطح گروه آموزشی مورد توجه قرار داد و مدل زیر را برای ارزشیابی کیفیت آموزش عالی مدنظر قرار داد:

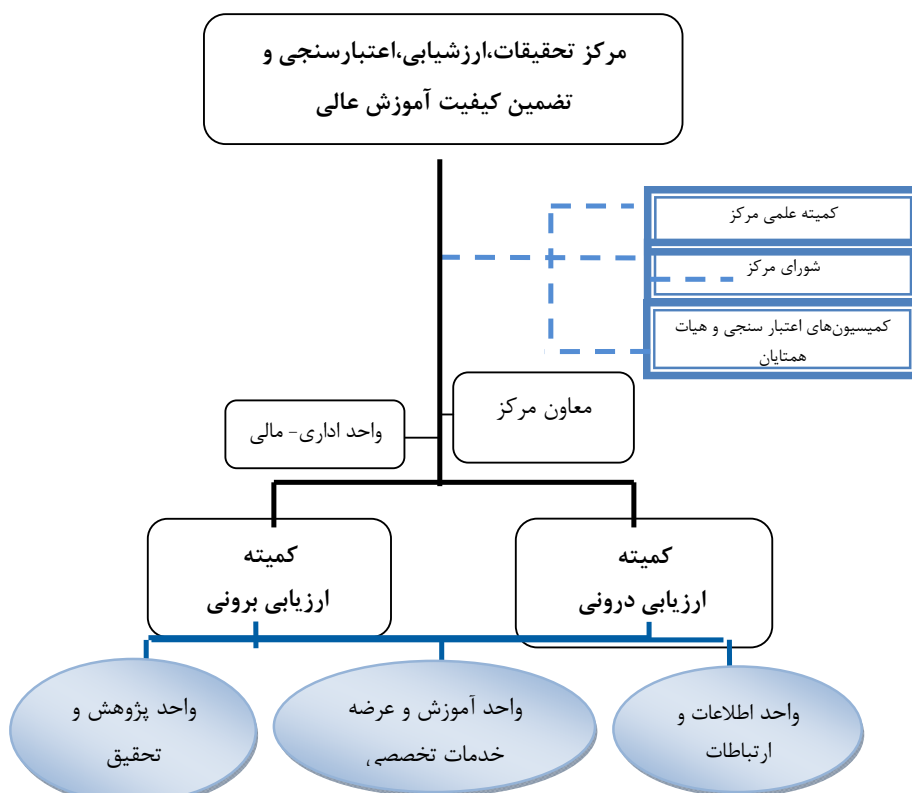


شکل شماره (۲): عوامل مورد توجه در ارزشیابی و اعتبارسنجی کیفیت آموزش عالی ایران «مدل کیفیت ترسیم شده در آموزش عالی»

منبع: محمدی، ۱۳۸۷

لازم به ذکر است که سازمان سنجش آموزش کشور بعنوان یکی از سازمان های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با هدف تعیین نحوه گزینش دانشجویان برای ورود به دانشگاه ها، در سال ۱۳۴۷ تاسیس شده است. پس از آن در سال ۱۳۵۴ با افزایش تعداد دانشجویان و گسترش دانشگاه ها فعالیت این سازمان به دو حوزه اصلی برگزاری آزمون های سراسری و نظارت بر امور دانشگاه ها توسعه یافت. سرانجام در سال ۱۳۷۹ نیز با توسعه و تحول در نظام آموزش عالی و لزوم ارزیابی مستمر و ارتقای کیفیت آن و با توجه به توان تخصصی بخش ارزشیابی این سازمان، ماموریت دوم سازمان سنجش آموزش کشور مجددا در مرکز توجه قرار گرفت. لذا این سازمان در کنار اندازه گیری و سنجش وضعیت علمی داوطلبان ورود به آموزش عالی، عهده دار ارزشیابی کیفیت موسسات آموزش عالی نیز گردید و این فعالیت راهبردی را در صدر برنامه ها و اقدام های خود قرار داده و امیدوار است با استمرار و تداوم فعالیت های ارزشمند صورت گرفته و

همکاری سایر سازمان‌ها و معاونت‌های حوزه ستادی و دانشگاهی، نهادینه ساختن نظام جامع تضمین کیفیت در آموزش عالی ایران را محقق سازد. در این راستا سازمان سنجش، چارت مرکز تحقیقات، ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی را در ساختار سازمانی خود جهت انجام وظایف مربوطه، به شرح زیر توسعه داده و نسبت به مدیریت و راهبری اجرای فرایندهای ارزیابی (اعتبارسنجی) کیفیت در دانشگاه های کشور در چهار حوزه زیر اقدام نموده است (گزارش بخش ارزشیابی آموزشی، ۱۳۸۹):



شکل شماره (۱): چارت سازمانی مرکز تحقیقات، ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی

در سازمان سنجش آموزش کشور

منبع: گزارش بخش ارزشیابی آموزشی، ۱۳۸۹

الف) فعالیت‌های آموزشی: تمرکز اصلی فعالیت‌های حوزه آموزشی بر آشنایی اعضای هیأت علمی دانشگاه ها با فلسفه، ضرورت، فرایند و نحوه انجام ارزیابی درونی می‌باشد. نمود فعالیت‌های آموزشی در برگزاری کارگاه های آموزشی و تهیه مواد آموزشی (دستورالعمل ها، کتب راهنما و نرم افزار آموزشی و...) آشکار می‌شود. برگزاری بیش از ۱۲۲ کارگاه آموزشی، ده ها نشست و جلسه توجیهی و رفع اشکال از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در این حوزه می‌باشد.

ب) فعالیت های مشاوره ای و کارشناسی در خصوص اجرای ارزیابی درونی در گروه های آموزشی و تدوین گزارش نهایی آنها: در این راستا تا کنون ارزیابی درونی کیفیت در ۸۲۲ گروه آموزشی به اجرا درآمده است و در ۳۹۹ مورد آن به پایان رسیده است.

ج) فعالیت‌های پژوهشی: با توجه به تخصصی بودن حوزه اعتبارسنجی و اصولاً نوپا بودن حوزه ارزشیابی علمی در نظام آموزش عالی ایران، تمرکز ویژه ای نیز بر انجام فعالیت‌های پژوهشی بکار گرفته شده است. از جمله دستاوردهای قابل توجه در این حوزه تدوین ده ها کتاب و بالغ بر ۵۰ مقاله پژوهشی می‌باشد.



د) فعالیت‌های اداری و مالی: فعالیت‌های این حوزه در دو بخش: (۱) مکاتبات درون و برون سازمانی و انجام فعالیت‌های اداری و اجرایی مورد نیاز و (۲) بخش برنامه‌ریزی مالی طرح می‌باشد که شامل تدوین برنامه مالی، برآورد بودجه لازم برای انجام طرح، توزیع دانشگاهی، تخصیص گروهی و سایر فعالیت‌های مورد نیاز در این حوزه می‌باشد.

۴- ویژگی‌ها، اهداف و اصول ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت در نظام آموزش عالی

با مروری بر پیشینه جهانی ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت می‌توان دریافت که علی‌رغم وجود تعاریف متنوع، ویژگی‌های زیر نوعاً خاص اکثر سیستم‌های ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت در نظام آموزش عالی است:

- ۱- هدف تصدیق کردن یک مجموعه از استانداردهای تعریف شده برای کیفیت در یک دوره، برنامه یا مؤسسه آموزش عالی می‌باشد.
 - ۲- اعتبارسنجی بوسیله هیأت یا سازمان ذی‌صلاح راهبری می‌شود.
 - ۳- استانداردها می‌توانند در سطح حداقل یا حداکثر (تعالی) باشند.
 - ۴- تصمیمات اعتبارسنجی مبتنی بر معیارهای کیفیت است و هرگز شامل ملاحظات سیاسی نمی‌شود (Hamalainen et al, 2004).
- همچنین از اعتبارسنجی انتظار می‌رود که اهداف زیر را تحقق بخشد:

۱. تضمین توافق قطعی و مشخص در خصوص استانداردهای پایه کیفیت و برآورده شدن آن، برابری برنامه‌ها و مدارک تحصیلی با توصیف‌گرهای پایه کیفیت پذیرفته‌شده عمومی و به تبع آن تضمین تصدیق بین‌المللی آن‌ها؛
۲. تقویت ترتیبات تضمین کیفیت بوسیله استقلال بیشتر آن‌ها، تمرکز بر استانداردهای الگوبرداری شده و نتایج شفاف در قالب بیانات صریح؛
۳. فراهم‌ساختن امکان الگوبرداری بین‌المللی از استانداردها و معیارها و تسهیل تحرک فرامرزی؛
۴. تقویت توان و ظرفیت ترتیبات تضمین کیفیت برای اطلاع‌رسانی و آگاهی دانشجویان و عموم مردم و عرضه پاسخگویی مؤسسات آموزش عالی؛

۵. تدارک امکان اتصال بیانات کیفیت به دیگر شکل‌های تنظیم، شامل بودجه‌بندی، کمک‌های مالی، فعالیت حرفه‌ای و . . . (Van Damme, 2004).

در مورد ویژگی‌های نظام‌های ارزیابی و تضمین کیفیت ملی در آموزش عالی کشورهای جهان نیز شش جنبه مشترک قابل تشخیص است:

- ۱- مشارکت و هماهنگی ملی بوسیله دولت مرکزی / نمایندگی مستقل ۲- انجام ارزیابی درونی و تدوین گزارش آن ۳- ارزیابی بیرونی بوسیله متخصصان بیرونی ۴- انتشار پیامدهای ارزیابی شامل پیشنهاداتی برای بهبود ۵- اجرا و عملی نمودن پیشنهادات ۶- ارزشیابی متناسب بودن و اثربخشی رویدادها و روش‌های تضمین کیفیت (فرا - ارزشیابی) (Vlasceanu, 2004).

به عقیده میتربرگ تغییرات در نهادهای بروکراسی تخصصی (مانند دانشگاه‌ها) به وسیله روسا و مدیران جدید ایجاد نمی‌شود بلکه تغییرات در دانشگاه‌ها از طریق تغییرات تدریجی در نگرش و طرز تلقی اعضای هیات علمی میسر خواهد شد (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹). بنابراین در استفاده از ارزشیابی در جهت حصول اهداف، بایستی شیوه‌ای از ارزشیابی دانشگاهی را بکارگرفت که به کمک آن بتوان نظر هیات علمی را نسبت به ارتقای کیفیت جلب کرد و همکاری آن‌ها را در این امر میسر ساخت (بازرگان، ۱۳۷۴). علاوه بر این با توجه به ماهیت نظام آموزش عالی بایستی اصولی را در ارزیابی کیفیت این نظام مد نظر قرار داد که اهم آن‌ها به شرح زیر می‌باشد (فراستخواه، ۱۳۸۶):

- ماهیت حرفه‌ای و تخصصی ارزشیابی آموزشی: ارزشیابی آموزش عالی در درجه اول ماهیتی حرفه‌ای و تخصصی دارد و اصلی‌ترین ابتکار آن باید به دست دانشگاهیان و متخصصان این حوزه باشد.

- اصل استقلال دانشگاهی و آزادی علمی: اصول استقلال دانشگاهی و آزادی علمی باید در همه‌الگوها، ساختارها، رویه‌ها و ضوابط ارزشیابی آموزش عالی به طور کامل رعایت بشود.

- نقش حمایتی و نه مداخله‌گرانه دولت: دولت به جای تصدی‌گری یا نفوذ و مداخله دیوان‌سالار در ارزشیابی آموزش عالی باید برای ابتکارات و ساختارهای درونی دانشگاه‌ها و نقش انجمن‌های علمی و نهادهای تخصصی و حرفه‌ای غیردولتی در ارزیابی و اعتبارسنجی، به ایجاد خط‌مشی‌های حمایتی و قوانین مشوق بپردازد، بسترسازی بکند و برای رونق بازار اعتبارسنجی آموزش عالی، تسهیل‌گری نماید.



- نهاد ملی قانونی متولی ارزشیابی باشد: نهاد ملی ارزشیابی و اعتبارسنجی، باید دارای پشتوانه معتبر قانونی و واحد نمایندگی همه ذی‌نفعان آموزش عالی باشد و به عنوان سازمانی چترگونه، نقش شناسایی‌کننده، هماهنگ‌کننده و پشتیبان برای فعالیت های خود-ارزیابی، ارزیابی بیرونی، اعتبارسنجی، ممیزی و سایر رویه های علمی و پذیرفته شده در حوزه بهبود و ارتقای کیفیت داشته باشد.

- اعتبارنظری به علاوه تناسب الگوها و و ساختارها با ویژگی‌های زمینه‌ای و فرهنگی: الگوهای ارزشیابی آموزش عالی ضمن داشتن مبانی علمی نظری باید با ویژگی‌های زمینه‌ای و فرهنگی آن جامعه و مقتضیات آموزش عالی آن، متناسب شوند.

- برنامه‌ریزی بر مبنای ارزشیابی: اصلی‌ترین فلسفه ارزشیابی آموزش عالی بهبود مداوم درون‌زاست و این مستلزم آن است که فرایندهای ختم‌شده‌ی گذاری آموزش عالی، برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی، توسعه سازمانی، مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها در ۴ سطح گروه، دانشکده، دانشگاه و کل نظام آموزش عالی تابعی از بازخوردهای ارزشیابی و پیشنهادهای و توصیه‌های برآمده از ارزشیابی باشند.

- جامعیت و انعطاف پذیری فرایندها و سازوکارهای ارزشیابی: ارزشیابی به عنوان ابزاری راهبردی برای شناسایی وضعیت موجود و فراهم نمودن مبنای برنامه ریزی توسعه در نظام آموزش عالی، باید جامعیت لازم را داشته و کلیه سطوح، وجوه و ابعاد آموزش عالی را مدنظر قرار دهد، ضمن اینکه در عین جامعیت و تفکر سیستمی باید از انعطاف پذیری لازم، متناسب با تغییرات زمینه ای برخوردار باشد.

از طرف دیگر در سال‌های اخیر ایجاد ساختارهای شبکه‌ای مانند شبکه اروپائی تضمین کیفیت در آموزش عالی^۱ و نیز شبکه آسیایی و اقیانوسیه کیفیت در آموزش عالی مثال‌هایی از ساختار شبکه‌ای تضمین کیفیت در آموزش عالی هستند که عملکرد آنها بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است. نظر به عملکرد ساختارهای متمرکز و شبکه‌ای می‌توان گفت که چنانچه نظام آموزش عالی مورد نظر از زیر نظام های متفاوت تشکیل شده باشد، مناسب ترین ساختار به صورت شبکه می‌باشد. نظر به این که نظام آموزش عالی ایران از زیر نظام های زیر تشکیل شده است، ساختار شبکه ای برای تضمین کیفیت که دربرگیرنده کلیه این زیر نظام ها باشد، مناسب ترین است (بازرگان، ۱۳۸۶):

۱- دانشگاه های جامع دولتی

۲- دانشگاه های علوم پزشکی دولتی

۳- دانشگاه های تخصصی (صنعتی، کشاورزی و ..)

۴- نظام دانشگاه آزاد اسلامی (غیر دولتی)

۵- نظام دانشگاه جامع علمی - کاربردی

۶- دانشگاه های غیر دولتی - غیر انتفاعی

۷- نظام دانشگاه پیام نور (نیمه حضوری)

۸- مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش

۹- مراکز آموزش عالی وابسته به سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی

۱۰- مراکز آموزش عالی غیر حضوری .

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

همانطور که بیان شد، در دهه های اخیر با توجه به چالش های آموزش عالی، لزوم توجه به ارزیابی کیفیت آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و نهادها و سازمان های مستقل و تخصصی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در آموزش عالی جهان توسعه یافته است. در این راستا در نظام آموزش عالی ایران نیز در دهه ۷۰ شمسی، در کنار رویکرد نظارتی دفتر نظارت و ارزیابی وزارت که از دیرباز در نظام آموزش عالی کشور رایج بود و اهداف مربوط به خود را داشت، مسئله ارزیابی مستمر کیفیت دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی مورد توجه قرار گرفت و از سال ۱۳۷۹ رسماً اقداماتی در حوزه ارزشیابی کیفیت با هدف بهبود و تضمین کیفیت نظام دانشگاهی و مبتنی بر مشارکت اعضای هیات علمی و متخصصان حرفه ای توسط مرکز ارزشیابی سازمان سنجش آموزش کشور آغاز شد. براین اساس پیروگذشت یک دهه از فعالیت تخصصی در این حوزه و با توجه به ویژگی های خاص هر یک از دو رویکرد نظارتی و رویکرد نوین ارزیابی (اعتبارسنجی) کیفیت، انتظار می رود که رویکرد نوین ارزشیابی کیفیت توسط نهادی مستقل و بطور تخصصی در نظام های دانشگاهی

¹.European Quality Network



راهبردی و مدیریت شود و وزارت متبوع جنبه الزام و حمایت این نظام را تقویت کند و از موازی و پراکنده کاری ها جلوگیری گردد؛ چرا که باعث تشتت و بلا تکلیفی فعالیت راهبری ارزشیابی و تلاقی آن با مفهوم نظارت و بازرسی شده و همین امر روند رشد و شتاب نهادینه شدن رویه های علمی ارزشیابی را با کندی مواجه می نماید و چالش هایی نظیر موارد زیر را موجب می گردد:

- نداشتن یک چشم انداز و برنامه راهبردی در حوزه ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی و به تبع آن نبود زبان و اندیشه مشترک از مفاهیم و اصطلاحات مذکور از جمله کیفیت و در نتیجه سازوکارها و روش های پیشنهادی متفاوت و بعضاً متناقض برای اجرایی کردن آنها
- عدم توجه به حوزه ارزشیابی آموزشی به عنوان یک حوزه تخصصی و نگاه غیر کارشناسی و غیر تخصصی به آن
- عدم توجه به دانش و تجربه بین المللی، نتایج پژوهش ها، فعالیت ها و تجارب ملی در زمینه ساختار سازی و روش های علمی ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی
- عدم توجه به نتایج و یافته های فعالیت های ارزشیابی کیفیت و پیشنهادات ارائه شده در سطح وزارت متبوع و نبود دستورالعمل، آئین نامه و سازوکارهایی برای اجرایی کردن نتایج ارزشیابی ها
- عدم ارتباط بین کارکردهای مدیریتی نظام آموزش عالی یعنی برنامه ریزی و ارزیابی و به تبع آن عدم استفاده از نتایج و یافته های ارزشیابی به عنوان مبانی برنامه ریزی توسعه آموزش عالی و سیاست گذاری و تصمیم گیری براساس آن
- عدم تبعیت کامل از یک الگوی جامع ارزشیابی و اهتمام در پیاده کردن کلیه مراحل آن و به تبع آن نبود نظام بازخورد در چرخه ارزشیابی آموزش عالی
- ابهام عملکردی در استفاده از توان فرهنگستان ها و انجمن های تخصصی در فرایند ارزشیابی و تدوین استانداردهای تخصصی و به تبع آن ابهام در نقش، اختیارات و نحوه همکاری نهادهای مذکور
- معیوب ماندن فعالیت های ارزشیابی درونی و عدم اتصال آن به ارزیابی بیرونی و اعتبارسنجی
- عدم وجود پایگاه های اطلاعاتی مناسب و به روز متناسب با نیازهای اطلاعاتی ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت
- عدم ارتباط و زبان مشترک بین مدیران و تصمیم گیران حوزه های ذیصلاح و صاحب نظران حوزه ارزشیابی آموزش عالی در خصوص مفاهیم، اصول، پیش بایست ها و الگوهای ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت
- کاربرد غلط اصطلاحات ارزشیابی، نظارت و بازرسی به جای یکدیگر و به تبع آن جابه جایی اهداف و رویه های اجرایی کردن آنها
- عدم استفاده درست از دانش و تخصص حداقل نیروی تخصصی و کارشناس در حوزه مذکور و نداشتن برنامه ای برای تربیت نیروی انسانی متخصص در سطح تحصیلات تکمیلی یا در قالب دوره های آموزشی در حوزه تخصصی ارزشیابی آموزشی
- نبود ساختار مشخص و مناسب ارزشیابی و تضمین کیفیت در سطح ملی و دانشگاهی و عدم اهتمام بر تغییر وضعیت موجود.

بنابراین در راستای کوشش های کشورهای جهان و شتاب کشورهای مختلف آسیایی و نیز عربی در جهت ایجاد سازمان های ملی متولی امر ارزشیابی و اعتبارسنجی و با توجه به دانش و تجربیات غنی ایجاد شده در کشور، تشکیل نهاد (سازمان) ملی متولی این امر برای تعریف چشم انداز و برنامه راهبردی در امر ارزشیابی کیفیت، درک و زبان مشترک در زمینه مفهوم کیفیت و مؤلفه های تشکیل دهنده آن، اتخاذ الگوها و روش های علمی و پذیرفته و تجربه شده، تکمیل چرخه ارزشیابی با کاربرد نتایج در برنامه ریزی ها و پیگیری کاربست یافته ها در جهت بهبود کیفیت، جلب مشارکت فعال جامعه دانشگاهی و توانمندسازی دانشگاه ها در مسئولیت پذیری در زمینه بهبود و ارتقاء کیفیت و ایجاد ساختار مناسب مدیریت کیفیت، انتظارات روشن و واقع بینانه از ارزشیابی، عدم فعالیت های موازی و هم افزایی بین فعالیت های نهادها و متولیان ذیربط و در نهایت فراهم نمودن زمینه تعالی عملکرد آموزش عالی کشور و حضور در مجامع بین المللی ضروری می باشد. همچنین همانطور که پیشتر گفته شد، با توجه به اینکه نظام آموزش عالی ایران از ۱۰ زیر نظام مشخص تشکیل شده است، پیشنهاد می شود که ساختار شبکه ای تضمین کیفیت مورد تاکید قرار گیرد؛ به این صورت که کمیته تخصصی ارزشیابی و تضمین کیفیت در هر یک از زیر نظام های دانشگاه های جامع دولتی، علوم پزشکی، دانشگاه های تخصصی، آزاد اسلامی، جامع علمی- کاربردی، غیر انتفاعی، پیام نور و ... تشکیل شود تا مسئولیت اجرای فعالیت های ارزیابی درونی و برونی کیفیت را با توجه به اهداف و معیارهای هر یک از زیر نظام های



مربوطه و نیز کاربرد نتایج آن ها در جهت بهبود کیفیت را بر عهده گیرد. بدیهی است این کمیته ها زیر نظر یک مرجع واحد یعنی شورای مرکزی ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی که مسئولیت سیاستگذاری در این حوزه را برعهده دارد، فعالیت می نمایند. امید است با اتخاذ تدابیر مناسب مدیریتی در آغاز برنامه پنجم توسعه و برنامه ریزی در خصوص آن، در پایان برنامه شاهد تحقق این مهم در نظام آموزش عالی ایران باشیم و آموزش عالی ایران با ساختاری علمی و منسجم برای مدیریت و تضمین کیفیت و در چشم انداز ملی، منطقه ای و بین المللی، در عرصه های جهانی این حوزه مطرح شود.

منابع

- ابیلی، خدایار (۱۳۷۶). ارزشیابی ماهیت نظارت و ارزیابی جاری در آموزش عالی غیر پزشکی کشور. به کوشش محسن خلیجی و محمد مهدی فرقانی (ویراستاران). **مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران**، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- بازرگان، عباس (۱۳۷۴). ارزیابی درونی دانشگاهی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی. **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی** ۳(۴۳)، ۱-۲۲.
- بازرگان، عباس (۱۳۷۶). «کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه های ملی و بین المللی»، **فصلنامه رهیافت**، شماره ۱۵۵، ص ۷۰-۶۰.
- بازرگان، عباس و همکاران (۱۳۷۹). «رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقای مستمر کیفیت گروه های آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی، **مجله روان شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)**»؛ دوره جدید، سال پنجم (۲)، ص ۲۶-۷.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۵). **ارزیابی مستمر برای بهبود کیفیت دانشگاهی: نگاهی به یک دهه تجربه در نظام آموزش عالی ایران**، دانشگاه تهران: دومین همایش ارزیابی درونی کیفیت در نظام دانشگاهی.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۶). **ساختار سازی برای ارزیابی کیفیت نظام آموزش عالی ایران: از واقعیت تا آرمان**، دانشگاه تهران: سومین همایش ارزیابی درونی کیفیت در نظام دانشگاهی.
- بازرگان، عباس (۱۳۷۸). **اعتبار بخشی در آموزش عالی**، تهران: انتشارات صباح.
- حجازی، یوسف (۱۳۷۷). گزارش ارزیابی درونی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۵). تدوین و ارائه الگوی جهت ارزشیابی کیفیت و اعتبار سنجی آموزش عالی در ایران بر اساس تجارب جهانی و ایران. پایان نامه دکتری آموزش عالی (به راهنمایی دکتر عباس بازرگان). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۶). بررسی اجمالی وضعیت ارزیابی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور تدوین سند جامع ارزیابی آموزش عالی ایران. موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- فراستخواه، مقصود، بازرگان، عباس و قاضی طباطبائی، محمود (۱۳۸۶). تحلیل مقایسه ای نظام های تضمین کیفیت آموزش عالی در جهان: وجوه اشتراک و افتراق در تجربه های جهانی. **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، شماره ۳(۲): ۱-۲۰.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۳). تحلیلی بر مکعب کیفیت در نظام آموزش عالی. **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، شماره ۷(۸)، ص ۱۳-۲۰.
- گزارش بخش ارزشیابی آموزشی (۱۳۸۹). بررسی روند پیشرفت طرح ارزیابی درونی در دانشگاه های کشور. سازمان سنجش آموزش کشور.
- گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۶). تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- محمدی، رضا و همکاران (۱۳۸۶). **ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی**، تهران: انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور.
- محمدی، رضا (۱۳۸۷). **ارزشیابی کیفیت و پاسخگویی در آموزش عالی**، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- نورشاهی، نسرین (۱۳۸۳). پیشینه ارزشیابی در آموزش عالی ایران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- Birn Baum, Desholtes, J. (1999); **Has the Academy Adopted TQM?; Planning for Higher Education; Volume 28**, p.29-37.
- Council for Higher Education Accreditation (2003); **Accreditation and Recognition in the united states** ; Internet: <http://www.chea.org> (accessed: 1/03/2006) .
- Dickeson R.C (2006). **The Need for Accreditation Reform. The Secretary of Education 's Commission on The Future of Higher Education** . Washington DC.



Eaton J.S.(2006).**The Secretary of Education's Commission on The Future of Higher Education** .Concil for Higher Education Accreditation,Washington DC.

Hamalainen.Kauko.etal(2003).**Common Standards for Programme**.www.onlinelibrary. wiley.com/doi/full (accessed:5/12/2010).

International Network for Quality Assurance Agencies in Higher Education (INQAAHE) (2003), **Quality Assurance Agencies**. Dublin: HETAC.

Van Damme.Drik (2004).**Standard and Indicator in Institutional and Programme Accreditation in Higher Education:A Conceptual Frame Work and a Proposal**. Studies on Higher Education. Edited by: Lazar vlasceanu & Leland conley Barrows. Paris:UNESCO .

Vlăsceanu.L,Grünber.L and Pârlea.D. (2004). **Quality Assurance and Accreditation: A Glossary of Basic TermsandDefinitions**.Bucharest,UNESCO-CEPES:PaperonHigherEducation.

<http://www.cepesro/publications/Default.Html>.(Accessed: 20/05/2005).